

گفتار؛ نسخه خطی کتابخانه مجلس: شماره ۲۹۱، ص ۱۱۵۴؛
نسخه خطی مدرسه عالی شهید مطهری: شماره ۲۹۱۳، صفحه
۵۵۴؛ و کتاب ریاض العارفین از: هدایت، ۱۳۰۵ ق، ص ۴۴).
در این خصوص کهن‌ترین یادکرد مکتوب «امیری» - که نوعی
آواز با اشعار منتسب به «امیر» است - مربوط به جشن ازدواج
حسام‌الدوله اردشیر باوندی - اسپهبد طبرستان - با دختر
سلطان علاءالدین تکش خوارزمشاه (۵۶۸ ه.ق) می‌باشد که
اصطلاح «امیر امیری» در آن ذکر شده است (ابن اسفندیار،
۱۳۶۶: قسم دوم، ۱۳۹ - ۱۴۰). همچنین کهن‌ترین داستان
مکتوب از عشق «امیر» به دلداده‌اش «گوهر» نیز متعلق به
«بینش کشمیری» (قرن ۱۱ ه.ق) است که در یکصد و شش
بیت، روایتی کوتاه از این عشق را در مثنوی رشته گوهر به نظم
کشیده است (بینش کشمیری، قرن ۱۱ ه.ق، نسخه خطی،
برگ‌های ۲۰۶ ر - ۲۱۰ پ؛ بینش کشمیری، ۱۳۹۲: ۶۶ - ۷۰).
نظر پژوهشگران بر آن است که دویستی‌های امیری، منسوب
است به امیرپازواری - که او هم شخصیتی تاریخی نیست - و
دیوان او با نام کنزالاسرار مازندرانی مجموعه‌ای است از
امیری‌هایی که خاورشناسان در نیمه اول قرن نوزدهم میلادی
ثبت کرده بودند و برنهارد دارن آنها را با استعانت از میرزا محمد
شفیع مازندرانی، تنظیم و در پترزبورگ طبع کرد (نک: برجیان،
۱۳۸۸: ۱۸ - ۱۹). هر چند نظر یاد شده در حالت کلی قابل پذیرش
است اما با بررسی کتاب کنزالاسرار و مجموعه اسناد مکتوب
و مستقل موجود از اشعار امیر در فواصل زمانی و مکانی
متفاوت و اتفاقاً بلندمدت - که در ادامه اشاره خواهد شد - این
نتیجه حاصل می‌گردد که گردآورندگان این اشعار به اثر مکتوبی
دسترسی داشتند و چنانچه آن منبع در اختیارشان نبود این
هماهنگی اتفاق نمی‌افتاد (نک: ذبیحی، ۱۳۹۲: ۷۰؛ ذبیحی، ۱۳۹۳).

نشانی چند دست‌نویس از اشعار امیر

به جز آثار یکپارچه‌ای که امروزه از اشعار امیر - همچون
کنزالاسرار مازندرانی و دیوان امیرپازواری - در دست است،
اشعاری پراکنده از او نیز در جُنگ‌ها به ثبت رسیده که می‌توان
به موارد ذیل اشاره داشت:

- نسخه خطی در جُنگ به شماره ۷۳۸۷/۱۱۵ کتابخانه
مرکزی دانشگاه تهران به تاریخ ۱۰۸۶ ق، صفحه ۴۹۴ با سه

امیری‌های نویافته مازندرانی

علی ذبیحی

کارشناس مدیریت صنعتی
azabihin@yahoo.com

«امیر»، شفاهی‌ترین، مکتوب‌ترین و بلند پایه‌ترین شاعر ادب
مازندران است که با پسوند انتساب «پازواری» شناخته
می‌شود. هر چند رواج اشعار امیری در میان مردم، سینه به سینه
است و نظر برخی از پژوهشگران بر زمان زندگی امیر، با استناد
به نشانه‌های نه‌چندان متقن تاریخی موجود در اشعار منسوب
به او، به دوره صفویه می‌رسد؛ اما کهن‌ترین نام شناخته شده از
شاعری طبری‌سرا، که به امیر معروف باشد از آن «امیر علی»
است که «اولیاءالله آملی» (۱۳۴۸: ۱۶۶) در کتاب تاریخ رویان
در ماجرای قتل اسپهبد محمد شمس‌الملوک باوند (۶۴۷ -
۶۶۵ ق) از او یاد می‌کند. با اینکه امروزه - بر اساس سهوهای
گذشته - شهرت «امیر مازندرانی» از آن شاعر نصاب‌سرای
مازندران یعنی «امیر تیمور قاجار ساروی» (قرن سیزدهم)
می‌باشد (گل‌باباپور، ۱۳۴۹: ۸، پاورقی) و با «امیرپازواری» - که از
نیمه دوم سده سیزدهم هجری منسوب به «پازوار» می‌گردد -
تفاوت دارد اما نام «امیر علی» با استناد به نسخ خطی موجود،
در سده یازدهم الی میانه سده سیزدهم هجری به صورت «امیر
علی طبرستانی»، «امیر علی مازندرانی» و «امیر مازندرانی» نیز
رواج داشته که مشهور و معروف به «شیخ‌العجم» هم بوده
است (نگاه کنید به نسخه‌های خطی دانشگاه تهران: شماره
۷۳۸۷، ص ۴۹۴؛ شماره ۱۰۰۱۰، تصویر ۶۲ و ۶۴ در همین

* سپاس ویژه از مدیریت و کارکنان بخش نسخ خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه
تهران که شرایط دست‌یافتن به اشعار این نسخه را برایم فراهم نمودند. وام‌دار
دوست فرهیخته آقای محمدرضا گودرزی هستم که پیش‌نویس متن حاضر را
خواندند و نکات ارزشمندی را یادآور شدند.
۱ «پازوار» نام دهستانی از توابع بخش رودبست در جنوب شهرستان بابل‌سراست.
امروزه «پازواری» مشهورترین پسوند نام «امیر» است.

(kin; 1964: 199). تاکنون معرفی و شرح مبسوطی از این نسخه صورت نگرفته است.^۲

مجال پیش‌رو در ادامه موارد یاد شده، نگاهی به «امیری‌های نویافته مازندرانی» است که در نسخه مورد استفاده ما به «شیخ‌العجم امیر مازندرانی» منسوب می‌باشند. این سروده‌های عاشقانه که در نسخه خطی «منشآت فارسی» کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شوند برای نخستین بار است که مجال معرفی و بروز می‌یابند.

شناخت نسخه:

نسخه خطی «منشآت فارسی» به شماره ۱۰۰۱۰، با آغاز و انجامی افتاده به خط نستعلیق و شکسته نستعلیق در سده دوازدهم هجری کتابت شده است. عناوین نسخه به سنگرف است و یادداشت‌های نونویسی به تاریخ‌های ۱۲۴۲ و ۱۲۴۴ ق^۴ در نسخه دیده می‌شوند. نسخه دارای ۹۱ برگ با کاغذ سپاهانی، جلد تیماج تریاکی لایی، ربعی است و مختصری از عنوان‌های آن به صورت ذیل می‌باشد: رقعہ، رقعجات، شعر امیر خسرو، نظامی و دیگران، نامه رستم خان سپهسالار به میرزا محمد باقر نوری، رقعہ به دوستی، میرزا باقر ایشک آقاسی به محمد مومن خان، پاسخ نامه میرزا باقر از میرزا سعید منشی، نامه نصیرای همدانی، میر معین درخواست آب، درخواست اسطربلاب، درخواست عینک، نامه وزیر صفاهان به کلانتر کرمان، پاسخ آن، در پاسخ یاری صادق، پاسخ میرزا باقر که محمد یاریک وزیر مازندران نوشته، دیباچه نصیرا، رقعہ به دوستی به اسم محلات اصفهان، عرض حال از صاحب مجموعه، دیباچه قوام

دویتی طبری از «امیر علی طبرستانی» به خط محمد مؤمن مازندرانی (صمدی، ۱۳۷۲: ۵۸۸/۲). این ابیات در کتاب کهن‌ترین امیری‌های مازندران به چاپ رسیده است (الهی و قلی‌پور، ۱۳۹۱: پیوست دوم).

نسخه خطی در جنگ به شماره ۲۹۱ محفوظ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی به تاریخ ۱۰۹۰ ق به کتابت میرزا محمد مقیم بارفروش دهی با ۱۳۲ بیت طبری (صمدی، ۱۳۷۲: ۵۸۸/۲). در حاشیه صفحه‌های دیگر از این نسخه (ص ۱۱۵۴) دو دویتی با عنوان «امیر علی مازندرانی مشهور و معروف به شیخ‌العجم» ثبت شده است. اشعار این نسخه در کتاب کهن‌ترین امیری‌های مازندران به چاپ رسیده است (الهی و قلی‌پور، ۱۳۹۱). نسخه خطی در جنگ به شماره ۲۴۴۶ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران مربوط به سده یازدهم هجری، صفحه ۸۱۷ با یک رباعی فارسی از «امیر علی اسد طبرستانی» (صمدی، ۱۳۷۲: ۵۸۸/۲). این دویتی در مجموعه مقالات در شناخت فرهنگ و ادب مازندران به چاپ رسیده است (جوادیان کوتنایی، ۱۳۷۷: ۷۲).

– نسخه خطی شماره ۲۹۱۳ (۲۹۱۳/۳۶) مدرسه عالی شهید مطهری (سپهسالار سابق) در تاریخ ۱۱۶۱ قمری، صفحه ۵۵۴ به کتابت احتمالی محمدتقی نجم‌الثانی با ۱۸ بیت طبری با عنوان «من دیوان امیر مازندرانی» (صمدی، ۱۳۷۲: ۵۸۹/۲). این ابیات در کتاب‌های دیوان امیر پازواری و کهن‌ترین امیری‌های مازندران به چاپ رسیده‌اند (ستوده، ۱۳۸۴: دیباچه؛ الهی و قلی‌پور گودرزی، ۱۳۹۱: پیوست یکم).

نسخه خطی شماره ۴۳۵۴ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به تاریخ ۱۲۳۶ ق، صفحه ۲۶ با بیتهی طبری با عنوان «من کلام امیر» به کتابت زمان مازندرانی (صمدی، ۱۳۷۲: ۵۸۸/۲). این بیت در مجموعه مقالات در شناخت فرهنگ و ادب مازندران به چاپ رسیده است (جوادیان کوتنایی، ۱۳۷۷: ۷۲).

– نسخه خطی شماره D ۴۲۰ (شماره مسلسل ۱۳۷۷)، انستیتو دست‌نوشته‌های شرقی فرهنگستان علوم روسیه (سن‌پترزبورگ)؛ شامل سروده‌های امیرپازواری به زبان مازندرانی؛ مورخه ۱۲۴۶ ق که مابین غزلیات دیوان حافظ در صفحات 167b-103a نوشته شده است (Akimush-

۲ با سپاس از مترجم توانمند جناب الکسی خیسما تولین Alexey khismatulina که اطلاعات این کتاب را در اختیارم قرار دادند.

۳ علاوه بر موارد یاد شده اشعار دیگری از امیر در نسخ خطی راه‌یافته به خارج از ایران نیز وجود دارند که بررسی آنها منوط به دست‌یافتن و مشاهده و بررسی از نزدیک می‌باشد. مانند: نسخه خطی اشعار امیرپازواری به همراه دیوان حافظ با تاریخ‌های متفاوت ۱۰۲۴ [۶]، ۱۲۴۶، ۱۲۵۱ قمری محفوظ در کتابخانه آرشیو سمیونوف در بنیاد تاریخ آکادمی علوم تاجیکستان شهر دوشنبه (نشریه نسخه‌های خطی دانشگاه تهران، ۱۰/۳۳۸؛ صمدی، ۱۳۷۲: ۵۸۹/۲-۵۸۸). نسخ خطی دیوان امیرپازواری به تاریخ ۱۲۷۵ هـ.ق با شماره‌های A-۹۴۷ و c-۱۹۰۶ در انستیتو دست‌نویس‌های شرقی فرهنگستان علوم روسیه در سن‌پترزبورگ (موزه آسیایی سابق). (با سپاس از فرهیخته ارجمند آقای حسین متقی).

۴ در حاشیه بالای تصویر شماره (۷۰ چپ) نوشته شده است: «به تاریخ ۱۹ شهر رجب المرجب جناب اقدس الهی یکدانه گوهر پسر به کربلایی لطفعلی شفقت فرمودند سنه ۴۴ [۱۲]». و در زیر آن نوشته شده: «سکینه خانم به تاریخ بیست ششم ماه رجب المرجب نور محمد نام را] به دنیا [آوردند] به تاریخ سنه ۱۲۴۲.

سروده‌ها:^۸

تصویر شماره ۶۲ راست:

من کلام شیخ‌العجم امیر مازندرانی:

[امیری ۱]

امیر گوته^۹ می تازه گل لاله وائی^{۱۰}

یارب نرسی گرد به تی لاله وائی

امیر ره دو تا خوش بتی^{۱۱} لاله دائی

هچی بنه تونه^{۱۲} گوتن^{۱۳} لاله وائی

[ترجمه: امیر می گوید؛ (تو) نوگل لاله‌سان منی / بار

خدایا، غبار به (چهره) لاله‌سان تو نرسد / اگر امیر دو بوسه بر

لاله (رُخ) تو می داد / (آن زمان) هیچ خرده‌ای بر آن (رُخ)

لاله‌سان، نمی‌توانند بگیرند (= بتوانند گفتن).]

[امیری ۲]

دست آن دسته که تی گله‌باغ گل چسی

چش آن چش که تی چش و چره دی

دل آن دله که گلگ گلگ^{۱۴} تی میروزی

ساهر سه پی کار ندانسه چسی

[ترجمه: دست آن دست است که از باغ گلت گل می چید /

چشم آن چشم است که چشم و چهره تو را می دید / دل آن دل

است که بسیار به تو مهر می‌ورزید / در حالی که نمی‌دانست

از برای چه در پی این سه کار بود.]

آقا حسین خوانساری، شعر شیخ‌العجم امیر پازواری^۵، حدیث در گرفتن ناخن از حضرت رسالت^(ص)، دیباچه میرزا محمدباقر نورای ایشیک آقاسی، حرم پسر اسفندیاری و نواده آقا پلنگ به ایشک آقاسی ولله نواب خاقان بر دعاء صباح بنام شاه سلیمان صفوی که آقا جمال‌الدین خوانساری آن را ترجمه کوتاهی کرد و او دیباچه و شرح و ترجمه و حواشی به دستور شاه بر آن نوشت: اینجا تنها همین دیباچه است، بر شعر شیبیا نوشته شد، حکایت، نقل است، نان و حلوا، از مصباح کفعمی (دانش‌پژوه، ۱۳۶۴: ۵۲۳).

سروده‌های مازندرانی مورد نظر در تصاویر^۶ شماره ۶۲ (راست) و (۶۴ چپ) به خط شکسته نستعلیق نوشته شدند.

در تصویر ۶۲، تعداد سه دوبیتی^۷ مازندرانی با عنوان «من کلام شیخ‌العجم امیر مازندرانی» و در تصویر ۶۴، دو دوبیتی مازندرانی با عنوان «امیر مازندرانی علیه‌الرحمه» به ثبت رسیده است.

در حاشیه تصویر ۶۲، تاریخی به صورت «سنه ۴۴۲۱» با خطی متفاوت از خط اشعار آمده که باید «سنه ۱۲۴۴» باشد و بنا به حدس، به شیوه رسم الخط فارسی - از راست به چپ - نوشته شده است. این روش نوشتن که در اسناد و کتب خطی متعددی رقم خورده است، می‌تواند «واژگون‌سال» یا «معکوس سنه» نامیده شود (برای مثال نک: نوشاهی، ۱۳۸۷: ۸۲). در تصویر شماره ۶۴ به خط متن اصلی، نوشته‌ای ترقیمه مانند، به «تاریخ ۲۶ شهر ربیع‌الثانی در بلده نور در روز پنجشنبه تحریر شد [کذا] سنه ۱۱۱۶ نمقه» محفوظ می‌باشد.

۸ شماره‌گذاری و ترجمه سروده‌ها، افزوده نویسنده می‌باشد. توضیحات کمکی نیز در میان دو کمان نوشته شدند.

۹ تمامی حروف (گ) بدون سرکش نوشته شده‌اند.

۱۰ «وا» در برخی مناطق کوهستانی شرقی مازندران، پسوند شباهت است.

۱۱ «بتی» = به تو.

۱۲ «بنه تونه» در معنای «نمی‌توانند» است. از خصوصیات زبان مازندرانی، منفی شدن معنای کلمه، با تغییر در جایگاه «تکیه» می‌باشد. هم‌تراز این کلمه در

شعری از کیا افراسیاب چلاوی (میانۀ قرن هشتم هجری) در کتاب تاریخ طبرستان و رویان و مازندران (میرظهیرالدین مرعشی، ۱۳۶۳: ۱۱۹) آمده است:

ملک رستم‌دار پسر شاه غازی / امل بتونی گیتن وازی وازی

[ترجمه: ای فرمانروای (سرزمین) رستم‌دار، ای پسر شاه‌غازی / امل را نمی‌توانی (بتوانی) آسان فتح کنی (به بازیچه‌گیری).]

۱۳ «گوتن» = گفتن.

۱۴ «تکرار» در مازندرانی از نشانه‌های تاکید است. «گلگ گلگ» برابر «گرماگرم»؛ «واج» دانسته شد.

۵ فهرست‌نویس این نسخه برای جلوگیری تداخل اسمی «امیر مازندرانی» و «امیر پازواری»، عبارت «شیخ‌العجم امیر مازندرانی» را به صورت «شیخ‌العجم امیر پازواری» ثبت نمودند.

۶ از آنجایی که صفحات نسخه خطی شمارگذاری نشدند برای دریافت درست صفحه مورد نظر، به شماره تصاویر ارجاع شد.

۷ دوبیتی و رباعی در سروده‌های بومی مازندران با ساختاری خاص به نام «امیری» یا «طبری» مطرح هستند. در هم‌سویی با ساختار و چگونگی سرودن دوبیتی‌های مازندرانی، در ادبیات کلاسیک فارسی نیز از قرن چهارم، اصطلاح «پارسی» جدا از نام زبان، به معنی شعر آمیخته با آواز رایج بود. این اصطلاح که به صورت «العجمیات» هم کاربرد داشت نوعی دوبیتی در مقابل رباعی بوده که در اشعار شاعرانی چون شیخ جام، اوحدالدین کرمانی، ابن بزاز، حافظ و شرح مثنوی مولوی به نام جواهرالاسرار و زواهرالانوار اثر کمال‌الدین خوارزمی بدان اشاره شده است (سروشیار، ۱۳۵۹: ۶۷۲).

[امیری ۳]

دردی نیه می درد که بشی باوتن

چاکی نیه می سیسینه بشی بدوتن

سمندر صفت تش دکت وینه سوتن

نوینه شنی سرّه کس ور گوتن^{۱۵}

[ترجمه: دردی نیست دردم که بشود گفتن / چاکی نیست

بر سینه‌ام که بشود دوختن / سمندر صفت در آتش افتاد و باید

سوختن / نباید سِرّ خود را با کسی باز گفتن].

تصویر شماره ۶۴ چپ:

امیر مازندرانی علیه‌الرحمه:

[امیری ۴]

مرا که بئی ور نزن^{۱۶} نو که پرّه^{۱۷}

پره مردن میرورزی خجیره

بوآر بئو مسته چش مونگه چره

توئی پر بزبست هر که پر زینه پرّه

[ترجمه: مرا که می‌بینی (سخن به) گزافه نگو که (او) پیر

است / مهرورزی مردان پیر (و کهن‌سال) نیکوست / بُرو و بگو

چشم‌مست ماه‌چهره‌را / تو (خود) پیری، (چون) هر که پیر زبید،

پیر است.]

[امیری ۵]

امیر گوتنه دست فلک ناله دارمه

شومی مازرون^{۱۸} میل پیاله دارمه

شش خاله نرگیس سه هلاله دارمه

چی حاصله که یار دو ساله دارمه

[ترجمه: امیر می‌گوید از دست فلک ناله دارم / هنگامی

(که) به جلگه مازندران می‌رویم میل پیاله دارم / (دلداری با

چشمی چون) نرگیس شش برگ و (رُخساری چون) آلاله سه

برگ دارم / چه حاصل که یاری دو ساله دارم.]

۱۵ همانند با سروده چهاربیتی در جلد دوم کنزالاسرار مازندرانی، صفحه ۱۱۳، سروده ۱۶۸. در این سروده به جای «سمندر صفت» از «قلندر وار» استفاده شده است.

۱۶ «ور نزن» = وِزاجی نکن.

۱۷ نوع نوشتن این کلمه به گونه‌ای است که (پیره) نیز خوانده می‌شود اما نقطه حرف (ی) درج نشده است.

۱۸ منظور از «مازرون»، مناطق جلگه‌ای و قابل کشت برنج در مازندران است. اهالی کوهستان‌های مازندران که خود را اهل کوه و «کوهی» می‌دانند؛ جلگه‌نشینان را «مازرونی» می‌خوانند. جلگه مازندران، قشلاق کوه‌نشینان مازندران نیز می‌باشد.

فهرست منابع:

- ابن اسفندیار، محمد بن حسن (۱۳۶۶)، تاریخ طبرستان، تصحیح: عباس اقبال، تهران: کلاله خاور.

- الهی و قلی‌پور (۱۳۹۱) ← بارفروش دهی، میرزا محمد مقیم (۱۳۹۱).

- امیرپازواری (۱۲۸۳ق- ۱۸۶۶م)، کنزالاسرار مازندرانی، ج ۲، به کوشش: برنهارد دارن، دارالسلطنه پطربورخ، [چاپ افسس در ایران ۱۳۴۹ شمسی، به اهتمام محمدکاظم گل باباپور].

- امیرپازواری (۱۳۸۴)، دیوان امیرپازواری، تصحیح منوچهر ستوده و محمد داودی درزی کلایی، تهران: رسانش.

- اولیاءالله آملی (۱۳۴۸)، تاریخ رویان، تصحیح منوچهر ستوده، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

- بارفروش دهی، میرزا محمد مقیم [کاتب- قرن یازدهم] (۱۳۹۱)، کهن‌ترین امیری‌های مازندران، تصحیح: یوسف الهی و شهرام قلی‌پور گودرزی، ساری: شلفین.

- برجیان، حبیب (۱۳۸۸)، «متون طبری»، ضمیمه ۱۵ آینه میراث، تهران: میراث مکتوب.

- بینش کشمیری (قرن ۱۱ ه.ق)، مثنوی رشته گوهر، نسخه خطی شماره Egertoon ۷۰۵ کتابخانه موزه بریتانیا، برگ‌های: ۱۸۰پ- ۲۱۹ر.

- بینش کشمیری (۱۳۹۲)، مثنوی رشته گوهر، به کوشش یوسف اسماعیل‌زاده، رشت: رخسار صبح.

- جوادیان کوتنایی، محمود (۱۳۷۷)، «امیرپازواری: افسانه یا تاریخ»، در شناخت فرهنگ و ادب مازندران: به یاد امیرپازواری، تهران: اشاره، ص ۷۲- ۵۹.

- دانش‌پژوه، محمدتقی (۱۳۶۴)، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۱۷، تهران: دانشگاه تهران.

- ذبیحی، علی (۱۳۹۲)، «نقدی بر کتاب کهن‌ترین امیری‌های مازندران»، کتاب ماه ادبیات، شماره ۷۸، پیاپی ۱۹۲، ص ۶۷- ۷۰.

- ذبیحی، علی (۱۳۹۳)، دیوان مکتوب امیرپازواری، سایت انسان‌شناسی و فرهنگ - ۱۹ فروردین ۱۳۹۳:

www.anthropology.ir/node/22403

- ستوده، منوچهر و محمد داودی درزی کلایی (۱۳۸۴) ← امیرپازواری (۱۳۸۴).

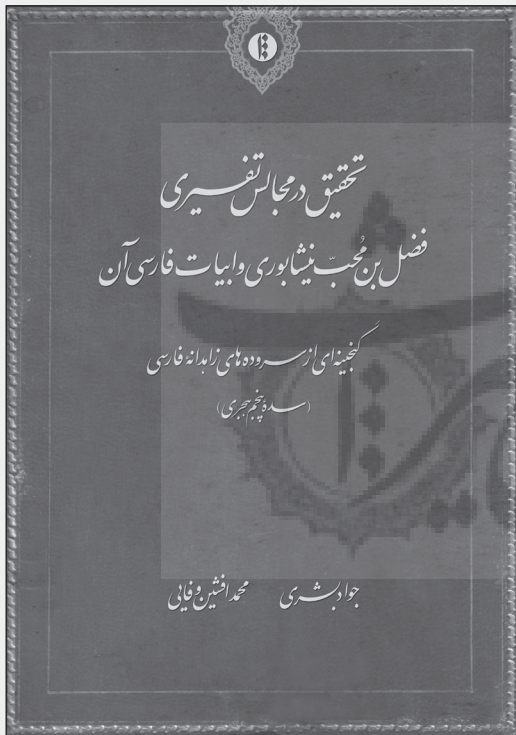
- سروشیار، جمشید (۱۳۵۹)، «پارسی، فارسی»، مجله آینده، س ۶، آذر تا اسفند، شماره ۹- ۱۲، صص ۶۷۱- ۶۷۵.

- صمدی، حسین (۱۳۷۲)، کتابنامه مازندران، ج ۲، ساری: سازمان برنامه و بودجه.

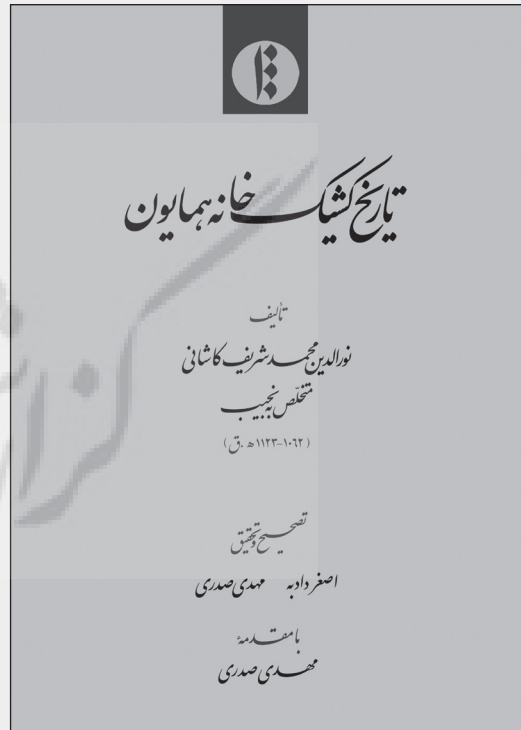
- ظهیرالدین مرعشی (۱۳۶۳)، تاریخ طبرستان و رویان و

علمی، کلامی و ادبی، سده ۱۲. - نسخه خطی شماره ۳۸۴۰، کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی - قم، شرح اشعار امیرکجوری، سنه ۱۲۷۲ ق. - نوشاهی، عارف (۱۳۸۷). «ترقیمه‌نویسی نسخه‌های خطی»، کتاب ماه ادبیات، شماره ۲۰، پیاپی ۱۳۴، ص ۸۰-۸۶. - هدایت، رضاقلی خان (۱۳۰۵ ق)، ریاض العارفین، به اهتمام: ملاعبده الحسین و ملامحمود خوانساری، تهران، کتاب‌فروشی وصال. (همچنین: تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۸). - Akimushkin.O. F. et al., 1964: *Persidskie i tadjhiskie rukopisi Instituta Narodov Azii AN SSSR I*, Moscow.

مازندران، به اهتمام: برنهارد دارن، مقدمه: یعقوب آژند، تهران: چاپ دیبا. - گل باباپور، محمداکظم (۱۳۴۹)، بخش مقدمه - امیرپازواری (۱۲۸۳ق-۱۸۶۶م)، کنزالاسرار مازندرانی، ج ۲، به کوشش: برنهارد دارن، دارالسلطنه پطربورغ، چاپ افست در ایران ۱۳۴۹ شمسی، به اهتمام: محمداکظم گل باباپور. - نسخه خطی شماره ۲۹۱، مجلس شورای اسلامی - تهران، مجموعه اهدایی، سرلشگر مجید فیروز، سده ۱۱. - نسخه خطی شماره ۲۴۴۶، دانشگاه تهران، نسخه در جنگ، سده ۱۱. - نسخه خطی شماره ۷۳۸۷، دانشگاه تهران، جنگی از مطالب



تحقیق در مجالس تفسیری فضل بن محبت نیشابوری و ادبیات فارسی آن
گنجینه‌ای از سروده‌های زاهدانه فارسی (سده پنجم هجری)
مقدمه و تحقیق: جوادبشری و محمدافشین‌وفایی،
۱۰۲ ص، تهران، ۱۳۹۴



تاریخ کشیک خانه همایون (فارسی)
نورالدین محمد شریف کاشانی متخلص به نجیب
(۱۱۲۳-۱۰۶۲ ق)
تصحیح و تحقیق: اصغر دادبه و مهدی صدیقی،
۶۲۵ ص، تهران، ۱۳۹۴.